

گنجینه نوشته‌های ایرانی

۱۲

شرح شطحیات

شامل گفتارهای شورانگیز و رمزی صوفیان

تصنیف

شیخ روزبهان بقلی شیرازی

به تصحیح و مقدمه

هانری کربن

ترجمه مقدمه از

دکتر محمدعلی امیرمعزی


انجمن ایرانی‌شناسی فرانسه در ایران


آشادات طهوری

۲۰۲۰/۱۳۹۹

فهرست

۷-۴۱	مقدمه هانری کُربن (ترجمه فارسی)
۴۳-۴۵۹	متن کتاب
۴۶۱-۵۲۷	فهرست اعلام
7-40	مقدمه هانری کُربن (به فرانسه)

فی بدایة احوالی و رغبتی فی تصنیف هذا الكتاب

(۱۷) اما بعد: معلوم کن، ای حریف دل نواز، که از بدو اول چون از راه ارادت برفتم، و در^۱ سیر مقامات افتادم، حقایق منازل بیافتم، در شواهد علم رسیدم، به جذب آن معامله بگذشتم، ساکن مراقبات شدم، آداب حضرت از طریق الهام بیافتم، در مکان مربوطت به مرقات مراقبت به مصعد شهود غیب بر شدم. طیر ارواح ملکوت در سواحل بحر جبروت پیران دیدم.

(۱۸) از قلزم مواجید اقداح افراح بخوردم. در عشق و محبت صرف افتادم، ناگاه عین قدم بر من کشف شد. به جبل عصمت توحید مجذوب تجرید شدم. در بیداء ازل سفر ابد از سر گرفتم. بعد از فناء وجود چون منزل نماند عارف شدم؛ در محل هیبت فتام، اجلال در حال غالب شد. چون عشق نماند، علت حدث برخاست؛ به عین صفت متصف شدم. آنگاه به سیر در ذات و صفات عالم شدم. به شرط انبساط رسیدم. کوز و رموز غیب از عتبه غیبت بر سرّ منفتح شد، تا جانم در علم لدنی راسخ شد. پای از حضرت بیرون نهادم. دروازه بان غیب گفت: «کجا می روی؟» گفتم: «غربت ولایت امتحان خواهم کرد.» گفت: «تحفه مقتبسان انوار غیب چه خواهی بود؟» گفتم: «به مفتاح انبساط ابواب خزانه علم لدنی بریشان بگشایم» گفت: «بارک الله فی مقدمک.» (۱۹) چون سر به گریبان تصرّف بر آوردم، و در مشاهیر کتب ایّمه معرفت مطالعه

کردم، تفاوت مقامات ایشان^۱ در مقالت ایشان بشناختم. معلوم کردم که نُکت و اشارات^۲ راسخان معرفت را تحف و اردات^۳ احوال است، وقوف برانِ علم مشکل دیدم. علی‌الخصوص زبان اهل سکر که در لَجَّة بحر قلزمِ قدم غرق وحدت بودند، از شقایق ایشان در وقت زفرات و حقیقت غلبات شطحیات پیدا شده بود، و بر هر کلمه‌ئی جهانی از اهل علم به همدیگر^۴ برآمده بود. طاعنان شمشیر جهل از غمد حسد برکشیده بودند، و از نادانی به خود می‌زدند. غیرت عشق مرا شربت سکینه داد، تا از غمرات محبت ساکن شدم. غیوران حق آواز دادند از بطنان غیب که «ای شاهد اسرار و ای مشکاة انوار! ارواح مقدّسان از طعن این مفلسان برهان، و دهر دهار بر آن قَتّالان صلاب بکریان بیان کن. رمز شطح عاشقان و عبارت شور مستان به زبان اهل حقیقت و شریعت، و هر نکته‌ئی که مقرون حالست آن را بصورت علم و ادله قرآن و حدیث شرحی لطیف عجیب بگوی.» مدّتی درین تفکر بودم، تا چون از دست برآید؛ ناگاه به سفر بودم و بی‌اختیار در بلد «پسا»^۵ مدّتی بماندم.

(۲۰) در خاطر آمد که شطحیات مشایخ جمع کنم، و آن را به الفاظ متصوّفه به زبان عربی شرحی بگویم. استعانت از حق خواستم و بر وی توکل کردم در جمع آن. چون در آن علم خوض کردم و دیوان ایشان مطالعه کردم، بیشترین شطحیات از آن سلطان عارفان بایزید و شاه مرغان عشق حسین بن منصور حلاج یافتم. آن از همه مشکلتر دیدم، علی‌الخصوص از آن حلاج. به رنجانیدن وی غمناک شدم، از برای تلخیص این علم از طعن حاسدان رنج بسیار کشیدم، تا کتابی مفرد در غرایب علم شطح به فضل حق جمع کردم، و آن را «منطق الاسرار ببیان الانوار»^۶ نام نهادم. چون به شیراز آمدم و آن کتاب تمام کردم، از جمله یاران و مریدان عزیزی قرابتی از من تقاضا کرد که «این کتاب شطح را به پارسی شرحی بگوی» چون بنگرستم، حقّ صحبت او بر خود واجب دیدم، اسعاف حق او را درین شرح خوض کردم، و از حق تعالی یاری خواستم. در اتمام، این نعت^۷ تعالی‌الله جلّ شأنه به کرم عمیم و لطف قدیم مرا یاری داد، تا به زبانی لطیف این کتاب را شرح کردم، و اسماء رجال شطح در آن بگفتم.

۱. مقامات ایشان S: شاید «مقامات انسان» با در نظر گرفتن تکرار «ایشان». ۲. اشارات M: اشارت S.

۳. واردات M: و اردات S. ۴. به همدیگر M: برهم S. ۵. پسا M: بسا S.

۶. منطق الاسرار رک. ص ۶۸ مقدمه «عبرالعاشقین». ۷. نعت M: لغت S.